

دکتر محمد امیر شیخ نوری

" سیری در تاریخ نفت ایران ارقام داد داری تاملی شدن صنعت نفت "

ارزش یک قطره نفت مساوی با ارزش
یک قطره خون است. " (۱)
کلما نسو مردسیاسی فرانسه

با هر معیاری که سنجیده شود، صنعت نفت سرآمد صنایع جهان است، احتمالاً تنها صنعتی است که همه کشورهای جهان را در بر می گیرد، به علت جدایی جغرافیایی مناطق عمده تولید از مناطق عمده مصرف، از لحاظ حمل و نقل بین المللی و کشتیرانی در دنیا، نخستین و مهم ترین مقام را داراست. (۲)
نفت یکی از عواملی است که تمدن جدید را زیر و رو کرده است. این ماده، انرژی و نیروی محرک در خانه، صنعت و حمل و نقل است و قاطع ترین نیرو در جنگ می باشد. احتیاج غالب کشورهای صنعتی و پیشرفته دنیا به نفت و فرآورده های مختلف آن، اهمیت و ارزش

۱- لسانی ابوالفضل: طلای سیاه یا بلای ایران، ص ۱

۲- ودل پیتر: نفت و کشورهای بزرگ جهان، امیر حسین جهان بگلو، ص ۹

مذکور را بالا می‌برد. زیرا اساس اقتصاد اکثر کشورهای تولیدکننده بر درآمد های نفتی استوار است، و متقابلاً "گردش چرخ های صنعتی و اقتصادی کشورهای پیشرفته و مصرف کننده، در حال حاضر و همچنین تا دو سه دهه آینده نیز مشروط به ادامه جریان نفت به آن کشورها و استفاده از آن می‌باشد. (۱)

در جهت اهمیت این ماده در جنگ با یدیا و رشد که در جنگ جهانی اول کمبود سوخت، فرانسه را به شکست تهدید می‌کرد لذا ژرژ کلمانسو نخست وزیر فرانسه در ۱۵ دسامبر ۱۹۱۷ در ضمن یک تلگراف به ویلسون رئیس جمهور آمریکا اعلام داشت: "کمبود سوخت ارتش ما را سریعاً از پای در می‌آورد و ما را به یک صلح غیر قابل قبول برای متفقین می‌کشاند. رئیس جمهور با یدیک ظرفیت اضافی معادل یکصد هزار تن را برای ارتش فرانسه از کمپانیهای نفت بگیرد. . . . برای جلوگیری از شکست متفقین لازم است که فرانسه . . . سوخت لازم را که به اندازه خون در جنگهای فردا مؤثر است در اختیار داشته باشد." (۲)

از آغاز قرن بیستم محافل نظامی دنیای غرب به فواید و اهمیت نفت در جنگ پی برده و استفاده از آن را توصیه و پیش بینی می‌کردند. از آن جمله دریا سا لار فیشرا انگلیسی می‌باشد که از سال ۱۹۰۴ تا سال ۱۹۰۹ فرمانده نیروی دریایی بریتانیا بوده است. وی در طی یادداشتی که در سال ۱۹۰۴ به هیئت وزیران انگلیسی نوشته نکات ذیل را خاطر نشان کرده است:

۱- استفاده از نفت موجب تسریع حرکت ناوگان می‌گردد و مسلم است که سرعت سیر عامل مؤثر پیروزی می‌باشد.

۱- سی بارگرتوماس: سیاست انرژی کشورهای عربی خلیج فارس، بیژن اسدی ص ۹

۲- بهار مهدی: میراث خوار استعمار، ص ۵۵۵.

۲- با استفاده از نفت می‌توان تا یک چهارم کا رکنان کشتی‌ها را تقلیل داد و از این راه صرفه‌جویی بزرگی به عمل آورد.

۳- ناوهای جنگی با استفاده از نفت به عنوان سوخت می‌توانند به نبرد خود ادامه دهند ولی با سوخت ذغال سنگ این عمل مقدر نمی‌باشد.

۴- ذغال سنگ پس از مدتی در انبار کشتی فاسد می‌شود ولی نفت هر قدر هم در انبار کشتی بماند تغییر نمی‌کند (۱)

رشد این صنعت که تمدن امروز از آن آید است همراه با رنج‌ها، شکست‌ها برای کشورهای نفت خیز از جمله ایران بوده است. بطوریکه در همه تاریخ هرگز هیچ صنعتی مانند صنعت نفت در اقتصاد دنیا بدین اندازه مؤثر نبوده و موجب پیچیدگی روابط دولتها نشده است. تا جاییکه در دنیا امروز روابط بین المللی را منافع نفتی مشخص می‌نماید. و این نفت است که تعیین کننده خط مشی سیاسی و در نتیجه اقتصادی کشورهای صنعتی با کشورهای نفت خیز می‌باشد. تا پیش از آن قدر زیاد است که می‌توانیم تاریخ معاصر را بدو گونه تجزیه و تحلیل نماییم، با نفت و بدون نفت، دو گونه تاریخی که صد درصد با هم اختلاف خواهند داشت. نفت مشخصاً "کلید اساسی و اصلی توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورهای نفت خیز می‌باشد. اما آنچه که مربوط به ایران می‌گردد مدت زمانی است که نفت و موقعیت جغرافیایی آن یعنی مجاورت با نفت با دکوبه و بغا زب سفرو کانا ل سوئزو واقع شدن در سر راه هندوستان از نظر سوق الجیشی مشغله فکری قدرتهای بزرگ شده است و در نتیجه کنترل منابع نفتی ایران بوسیله آنها، انواع و اقسام استراتژی، تکنیک‌های مداخله مستقیم و غیر مستقیم را ایجاد می‌نماید.

مداخله مستقیم و غیر مستقیم در زندگی سیاسی - اقتصادی و

نظامی و سرنگون کردن حکومتها از راههایی بودند که قدرتهای بزرگ جهت حفظ منابع نفتی اعمال می نمودند، بدین ترتیب عامل مهمی که اهمیت ایران و خلیج فارس را برای انگلستان، نه بخاطر حفظ منافع آن کشور در هندوستان، آسیا، بلکه بخاطر خود ایران بیشتر نمود، وجود نفت بود و در این راستاست که امتیاز نفت داری که یک تبعه انگلیسی بود در ۲۸ ماه مه ۱۹۰۱ (۹ صفر ۱۳۱۹) با مضاء رسید. مدت این قرارداد ۶۰ سال و تمام خاک ایران را شامل می شود. (۱) بجز ۵ ایالت مثال ایران که از حوزه قرارداد مستثنی بود. مستثنی کردن این ۵ ایالت بخاطر تحریک نشدن روسها بود که با دادن امتیاز نفت به یک تبعه انگلستان مخالفت نکنند.

صاحب این امتیاز دارای حق با انحصار کشیدن لوله های لازم از سرچشمه های نفت و قیرو غیره تا خلیج فارس به جهت توزیع و تقسیم

۱- از صفات مشترک این قرارداد و سایر قراردادهای خاور میانه - صرف نظر از جنبه های مالی مشابه، دراز مدت بودن (از ۶۰ الی ۷۵ سال) و وسعت فوق العاده ناحیه امتیاز است. جدول زیر مدت و مساحت امتیازات مهم خاور میانه را مشخص می کند.

نام کشور	نام قرارداد	مدت	وسعت ناحیه
عراق	IPC	۷۵ سال	۴۵۰۰۰۰ کیلومتر مربع
عربستان سعودی	ARAMCO	۶۶ سال	" " ۷۹۳۰۰۰
کویت	K O C	۷۵ سال	تمام قلمرو کشور
قطر	Q P C	۷۵ سال	" " "
ابوظبلی	A D P C	۷۵ سال	" " "

نفت به جا های دیگر خواهد بود و همچنین حق بنای چاه های نفت و حوض ها و محل تلمبه و مواقع جمع و تقسیم و تاسیس کارخانه و غیره از هر چه که لازم باشد خواهد داشت. (۱)

حکومت ایران تمام اراضی که به صاحب امتیاز واگذار شده و همچنین تمام محصولات آنها که به خراج حمل شود از هر نوع مالیات و عوارض در مدت این امتیازنا معاف خواهد بود و تمام اسباب و آلات لازم برای تفتیش و تفحص و استخراج معادن و بسط آنها به جهت تاسیس لوله ها در وقت دخول به ایران به هیچ وجه من الوجوه حقوق گمرک را نخواهد پرداخت. (۲) پیرو ماده ۱۲، عمده و فعله که در تاسیسات فوق کار می کنند باید رعیت دولت ایران باشند با استثنای اجرای علمی از قبیل مدیر و مهندس و عمال و مباحثین. در سال ۱۹۰۴ لرد فیش در رسد بود که سوخت نا و گان جنگی انگلیس را به نفت تبدیل نماید. در آن موقع انگلستان فاقد نفت بود و نفت خود را از آمریکا و شرکت شل تامین می کرد. فیشر کمیته ای تشکیل داد تا در مورد تهیه نفت برای نا و گان انگلستان مطالعه کند. دستوری که با عضای کمیسیون داده شد از این قرار بود. (۳) " شما باید به نحوی هست راه تحصیل نفت را پیدا کنید و نشان دهید. بچه قسم ما می توانیم به قیمت ارزان و خرج کم آن را انبار کنیم و نیز باید معلوم دارید که چگونه نفت را در زمان صلح می توان مرتب و ارزان خرید و در موقع جنگ چه راهی هست که بتوان نفت را باطمینان خاطر بدست آورد. " پس از دریافت گزارش کمیسیون چرچیل سیاست نفت دولت را تنظیم کرده و ضمن نطقی که در تاریخ هفدهم ژوئیه ۱۹۱۳ در مجلس مبعوثان ایراد کردند چنین گفت: " سیاست نفت دولت برد و قسم است یکی موقتسی و

۱- قرارداد داری، ماده ۲

۲- قرارداد داری، ماده ۷

۳- فاتح مصطفی: پیشین، ص ۲۶۳

دیگری مالی . سیاست مالی ما این است که وزارت دریا داری مالک مستقل و استخراج کننده^۱ احتیاجات نفت سوخت خود باشد . . . و تا حد امکان مقادیر نفتی که ما لازم داریم از منابعی که تحت کنترل یا نفوذ ما هست و از راههای دریائی که نیروی دریایی ما بسط و گسترش بتواند آنها را محافظت نماید بدست آوریم و سیاست موقتی ما این است که مقادیر کافی نفت خرید و ذخیره نماییم . " (۱)

تقریباً "مقارن سالروز فوران نفت در مسجد سلیمان (۱۹۰۸) بود که لایحه ای را چرچیل به مجلس برد که به موجب آن دولت انگلستان اکثریت سهام شرکت ایران و انگلیس را خریداری نمود . پس از اینکه انگلستان اکثریت سهام را خریداری نمود دو نماینده از طرف دولت انگلیس در هیئت مدیره عضویت داشتند و این دو نماینده اختیارات داشتند هر اقدامی را که مخالف مصالح دولت انگلستان تشخیص دهند و توکنند و نظر آنها پس از تصویب دولت قطعی بود .

این انتقالات بدون اینکه با ایران یعنی صاحب نفت مشورت صورت گیرد انجام گرفت . دولت ایران که با داری قرارداد امضاء کرده بود ، اکنون دولت انگلستان را طرف معامله خود می دید (۲) . در این رابطه عده ای از مردم آگاه به سیاست و آزادی خواهان به این معامله معترض بودند و شا دروان خیابانی یکی از آزادی خواهان

۱ - فاتح مصطفی : پیشین ص ۲۶۴ .

۲ - حکومت انگلستان از بیم اینکه امتیاز نفت بدست فرانسویان بیفتد اقدام به تهییج احساسات ناسیونالیستی در اتباع خود نمود . ویلیام داری که با موج احساسات مردم مواجه شده بود اعلام کرد که آماده است خویش را در راه پادشاه و بریتانیا نیای کبیر فدا نماید . داری برای واگذاری امتیاز به کمیته انگلیسی که مدعی نفت ایران بود با مذاکره را گشود .

دلدم اسکندر : سلطه جویان و استعمارگران در خلیج فارس ، ص ۲۳۲

مشروطیت درنطقی که راجع باین معامله ایراد کرد، چنین گفت: "امتیازی که به داری داده شده نباید منتقل بدولت امپراطوری انگلستان بشود که موجب پریشانیها و نگرانیهای ایران بوده است. این معامله نادرست و خائنه بوده زیرا دولت انگلستان هیچ گاه توفیق نمییافت چنین امتیازی را مستقیماً از دولت ایران تحصیل کند و بنا براین داری را بمیان آورد که او را وسیله تحصیل امتیاز قرار داده و صورت شوم امپریالیزم خود را پشت سر او پنهان دارد این عمل خدعه آمیز و نادرست و حیله گرانه بوده است." (۱)

چرچیل در مجلس عوام انگلستان در موضوع اهمیت نفت ایران برای انگلستان گفت: "از مدتی پیش دولت انگلستان برای کسب منابع نفتی ایران از لحاظ حفظ اداره هندوستان و عظمت امپراطوری انگلیس فعالیت های سیاسی نموده و مخصوصاً "مراقبت شد که کمپانیهای خارجی سهام شرکت نفت ایران و انگلیس را خریداری نمایند" (۲) برای تشریح وضع کمپانی در آن تاریخ عبارات زیر را که به قلم یک نویسنده انگلیسی است عیناً نقل می کنیم: (۳) "شرکت نفت ایران و انگلیس تجسم و خلاصه ای از دخالت بیگانگان بود. این موسسه یکی از بزرگترین منابع ثروت ایران را در اختیار داشت و از آن بهره برداری می کرد و در ازای میلیونها که از کشور می برد مبلغ ناچیزی بدولت ایران می داد، با چنان استقلال رفتار می کرد که دولت ایران از هیچ رئیس ایل و قبیله ای هر قدر هم مقتدر بود تحمل نمی نمود. در طرز رفتار با ایرانیان از عالی و دانی چنان نخوتی نشان می داد که برای نژادی که پیش از هر وقت به عظمت گذشته خود فخر می کرد و به آینه درخشان خود اعتماد داشت قابل تحمل نبود."

۱- فاتح مصطفی: پیشین، ص ۲۶۵

۲- لسانی ابوالفصل: پیشین، ص ۲

۳- روحانی نواد: تاریخ ملی شدن صنعت نفت ایران، ص ۶۳

در باره منافع سرشار انگلیس چرچیل که باید در نظر داشت در ۱۹۱۴ نقش قاطعی در خرید اکثریت سهام شرکت نفت ایران و انگلیس به وسیله دولت انگلستان داشت، در سال ۱۹۲۳ راجع به سودآوری فراوان صنعت نفت ایران اظهارات روشن کننده ای نمود. وی در آن سال بازده تقریبی مستقیم سرمایه گذاری دولت انگلیس را طی هشت سال در شرکت نفت به شرح زیر برآورد کرد: (۱)

۱- سرمایه گذاری اولیه دولت به صورت سهام عادی یک لیره ای یک میلیون از ۵ میلیون سهام شده است و ارزش این سهام به قیمت جاری تقریباً "در حدود ۱۶ میلیون لیره می باشد.

۲- دولت به عنوان سود سهام، بهره، مالیات بردرآمد، عوارض بر منافع اضافی و مالیات بر شرکتها، بالغ بر ۶/۵ میلیون لیره دریافت کرده است.

۳- قرارداد تامین احتیاجات نفتی به وزارتخانه ها امکان آن داده است که از قبل تفاوت قیمت خرید نفت نسبت به قیمت های جاری در حدود ۷/۵ میلیون لیره صرفه جویی کنند. انگلیسی ها بقول شواردران در کتاب خاورمیانه، نفت و قدرتهای بزرگ، آنچنان نفت را ارزنده یافتند که به محض آغاز جنگ جهانی اول نیروی امدادی خود را از هندوستان به بین النهرین گسیل داشتند تا از مناطقی نفت غیزو خط لوله و پالایشگاه نفت ایران حفاظت کنند. انگلیس در خلال جنگ از جنبه حیاتی نفت در کسب پیروزی کاملاً واقف شده بود و این امر در نطق لورد کرزن در ۲۱ نوامبر ۱۹۱۸ بخوبی آشکار می گردد: "در حقیقت نسل آینده خواهد گفت که متفقین بر موجی از نفت به پیروزی رسیدند." آنها ضمناً "از وابستگی خود به نفت امریکا نیز آگاه بودند و بنا بر این مصمم بودند که نیا زمن دیهای نفتی زمان صلح

۱- مقداشی زهیر: تجزیه و تحلیل مالی امتیازات نفتی خاورمیانه،

و همچنین احتیاجات زمان جنگ را تامین کنند. منطقه‌ای که ایمن مقصود را برآورده می‌ساخت خاورمیانه بود و مخصوصاً "ایران که در آن وقت حوزه عملیات آنها بود و منافع کلانی هم نصیبشان می‌ساخت. بنا براین دولت انگلستان مصمم بود که دست سایر ملتها را از بهره‌برداری از منابع نفتی ایران کوتاه کند. دست‌کم یکی از دلایل تحمیل قرارداد ۱۹۱۹ به ایران همین حفظ منابع نفتی انگلستان در جنوب ایران و حتی بسط به شمال آن کشور بود. (۱)

اهمیت نفت در این دوره از آنجا مشخص می‌شود که قدرتهای بزرگ آن زمان یعنی روسیه و انگلستان در اختلافات مرزی بین ایران و عثمانی دخالت نموده و در جهت حفظ منابع نفتی پروتکل ۴ نوامبر ۱۹۱۳ اسلامبول را امضاء می‌نمایند. یک کمیسیون بین المللی مرکب از نمایندگان ایران و عثمانی و انگلیس و روس در سال ۱۹۱۳ تشکیل و خط مرزی بین دو کشور را علامت‌گذاری می‌نمایند. ایسن کمیسیون در عرض یکسال کار خود را انجام داد و خط مرز را علامت‌گذاری نمود که نتیجه آن هفتصد میل مربع (۱۸۱۳۰۰ هکتار) از خاک ایران واقع در شمال و جنوب قصر شیرین به عثمانی واگذار گردید و اراضی مزبور بعدها بنام "اراضی انتقالی" خوانده شد. (۲) ناحیه قصر شیرین که جزء حوزه امتیاز داری بود به ایران و ناحیه خانقین که شرکت نفت ایران و انگلیس چاههای نفت در آن حفر کرده بود به عثمانی (ترکیه) واگذار گردید. با وجود این دولت بریتانیا از دولت عثمانی رسماً "تعهد گرفت که امتیاز داری را در اراضی انتقالی به رسمیت بشناسد. در مورد خانقین عثمانی نه تنها امتیاز را به رسمیت شناخت، بلکه امتیازی اضافی جهت احداث خط لوله در

۱- شوادران بنجامین : خاورمیانه، نفت و قدرتهای بسزترگ،

شریفیان ، ص ۳۱

۲- فاتح مصطفی : پیشین ، ص ۱۷۳

خاک عثمانی تا دریا به شرکت نفت انگلیس و ایران اعطا کرد. (۱)
 ماده ۷- پروتکل اسلامبول در مورد نفت اهمیت خاصی دارد که
 نقل می‌شود: " (۲) بدیهی است که شرایط امتیاز اعطائی دولت ایران
 به ویلیام داری بر طبق پیمان ۲۸ مه ۱۹۰۱ بطور کامل و بدون قید
 و شرط در تمام اراضی که از طرف ایران به ترکیه منتقل شده است
 به موجب مواد پروتکل حاضر بقوت خود باقی خواهد بود. " ماده ۷
 سنگوبایی از ذلت دولت‌های ضعیف و اجاف جابرانه دولت‌های
 مقتدر است. چند سالی است که نفت خوزستان استخراج شده و شرکت
 نفت ایران و انگلیس که بدون اطلاع و موافقت دولت ایران جانشین
 داری شده است در اراضی بسیار وسیعی که به موجب امتیاز نامه سال
 ۱۹۰۱ در اختیار آن گذاشته شده است به کشف و استخراج نفت اشتغال
 دارد. دولت انگلستان که توجه دارد داری قرارداد خود را با دولت
 ایران منعقد نموده و امتیاز کشف و استخراج نفت را از دولت ایران
 بدست آورده است نه در بندهای یک ماده بلکه در یک ماده مستقل (ماده
 ۷) از دولت عثمانی می‌خواهد که کلیه شرایط امتیاز فوق را بطور
 کامل و بدون قید و شرط در تمام اراضی که از طرف ایران به عثمانی
 منتقل شده است " رعایت نماید. (۳)

بدین ترتیب "قرارداد داری نمونه کامل یک قرارداد
 استعماری است. $\frac{۳}{۴}$ خاک کشور زیر نفوذ کمپانی قرار داشت. این
 قرارداد علاوه بر اینکه حقوق اقتصادی ایران را زیر پا می‌گذاشت
 حاکمیت ایران را هم زیر سوال قرار می‌داد. قدرت و نفوذ کمپانی
 در حقیقت دولتی در دولت ایجاد کرده و عملاً "همه کشور را از تحت سلطه

۱- شوادران بنجامین : پیشین ، ص ۲۵

۲- پارسا دوست منوچهر : زمینه‌های تاریخی اختلافات ایران و عراق ،

ص ۱۰۶

۳- پارسا دوست منوچهر : همان ، ص ۱۰۸

حکومت مرکزی خارج ساخته بود. صاحب امتیاز در موارد بسیار از حقوق خارج الملکتی برخوردار بود. قوانین مالیاتی کشور در حق او قابل اعمال نبود. دروازه های کشور برای ورود هرگونه کالایی که او میخواست اگرچه مقررات کشور آن کالا را ممنوع قلمداد می کرد، باز بود. دولت هیچ گونه اختیاری در عملیات مربوط به امتیاز نداشت. اداره عملیات مطلقاً پیمیل واراده صاحب امتیاز انجام می شد. حوزه امتیاز آنچنان وسیع بود که جا برای ورود و مداخله دیگری باقی نمی ماند. (۱)

بعد از جنگ بین المللی اول انگلستان که خود را یکه تراز میدان می دید تصمیم گرفت که برای چهار ربهیخه کردن تسلط خود بر نفت، قرارداد معروف ۱۹۱۹ را بر این کشور تحمیل کند. در یلدا شتی که توسط لرد کرزن تنظیم و به منظور توجیه قرارداد در تاریخ ۹ اوت ۱۹۱۹ در میان اعضای کابینه انگلستان توزیع شده بود چنین آمده است: (۲) "مادر گوشه جنوب غربی ایران دارائی هنگفتی به صورت مناطق نفتی داریم که برای تامین احتیاجات دریا داری بریتانیا منظور شده و ما را دارای منافع مهمی در این قسمت از جهان کرده است."

در جنگ جهانی دوم ایران اشغال می شود و یکی از دلایل اشغال ایران همانا حفظ صنعت نفت ایران بود که نقش عمده ای را در این تهاجم داشته است. برای اینکه با اهمیت فوق العاده نفت ایران پی برده شود شرح زیرا کتاب خاطرات جنگ چرچیل کسه در کتاب فاتح آمده نقل می شود: (۳) احتیاج برساندن مهمات جنگی و هرنوع لوازم و تدارکات دیگر بدولت شوروی و مشکلات عظیمی که

۱- موحد محمد علی: پیشین، ص ۲۴۸

۲- همان، ص ۵۴

۳- فاتح مصطفی: پیشین، ص ۳۱۵-۳۱۶

راه دریای منجمد شمال در برداشت توام با امکانات سوق الجیشی آینده بطور آشکارا ایجاب می‌کرد که ارتباط کامل با روسیه از طریق ایران برقرار گردد. معادن نفت ایران یک عامل مهم جنگی محسوب می‌شد. ... روسای ستاد پیشینها دکردند که عملیات محدود به جنوب باشد و برای این کار ما دست کم یک لشکر که از طرف نیروی هوایی کوچکی یاری شود لازم داشتیم تا بتوانیم معادن نفت را تصرف کنیم چنین نیرویی باید از عراق آورده شود در حالی که ما در آنجا عده کافی حتی برای حفظ امنیت داخلی نداشتیم. در تاریخ ۲۴ ژوئیه ۱۹۴۱ وزیر خارجه (ایدن) نظر خود را در این باره بشرح زیر برای من فرستاد. امروز صبح در باره فشار با ایران من مطالعات بیشتری کردم. هر چه بیشتر راجع با مکان اجرای این مسله مطالعه می‌کنم آشکارتر می‌گردد که همه چیز مربوط به توانایی ما در تمرکز دادن قوای کافی در عراق است تا بدان وسیله قادر به حفظ معادن نفت ایران باشیم. امیدوارم در اسرع وقت مساعی لازم به کار برده شود که قوای ما در عراق تقویت یابد. اگر بتوانیم چنین کاری را قبل از آنکه روسها در جنوب دچار شکست سختی شوند انجام دهیم امید آن است که بتوانیم اراده خود را بدون اعمال قوه با ایرانیان تحمیل کنیم. عامل دیگری هم در کار است که لزوم افزایش نیرو را در عراق ایجاب می‌کند. اگر روسیه دچار شکست شود ما باید حاضر باشیم که معادن نفت ایران را خودمان اشغال نمائیم زیرا در چنین صورتی فشار آلمانها به ایران برای اخراج ما قابل تحمل نخواهد بود."

نقل مطالب فوق آشکار می‌سازد که نفت ایران چه اهمیتی در جنگ داشته و علت تهاجم ارتشهای بیگانه به ایران تا چه اندازه مربوط به نفت بوده است.

از سال دوم جنگ که معلوم شد نفت ایران با یدمقا دیرزیادی فرآورده های نفتی را برای متفقین تهیه نماید توسعه عملیات شرکت دوبا ره آغاز گشت و دولت های انگلیس و آمریکا تصمیم گرفتند

که لوازم کار را با ایران ارسال دارند. اولین اقدامی که شد این بود که وسایل استخراج از معدن آغا جاری شروع گشت. یک خط لوله‌ای به قطرسی سانتی مترونییم از آغا جاری به آبادان کشیده شد و در سال ۱۹۴۴ بکار افتاد. سال بعد معدن نفت سفید شروع به استخراج کرد و خط لوله‌ای به قطر ۲۵ وسی سانتی متر از معدن مزبور به نقطه‌ای بین اهواز و شوشتر که موسوم به "ویسی" است کشیده شد و به خط لوله مسجد سلیمان و آبادان متصل گردید. (۱)

بعد از جنگ جهانی دوم و در جریان ملی شدن نفت ایران و بدنبال قطع صادرات نفت، طرح اشغال ایران از طریق عراق توسط انگلستان پی ریزی می‌شود و بنا به نوشته روزنامه نیویورک تایمز (۲) به نقل از اظهارات یکی از کارشناسان نظامی مسائل خاورمیانه حاکی است که طرح جنگ عراق برای اشغال ایران در سال ۱۹۵۰ (۱۳۲۹ هـ - ش) سال ملی شدن نفت در ایران و بخطر افتادن منافع استعمارگران) با کمک و یاری انگلستان پی ریزی گشت و هدف از آن تسلط بر استان نفت خیز خوزستان بود، مشروط بر این که دوره متارکه‌ای در پی حمله برقرار گردد و در طول دوران یا دسده ایران از این استان به نفع عراق چشم پوشی کند. نقشه مزبور بارها مورد جرح و تعدیل قرار گرفت تا هنگام با شرایط و احوال زمان باشد. طی طرح مزبور عراق می‌بایست شیوه مونتگمری انگلیسی را در بکارگیری وسیع توپخانه که در نبرد العلمین امتحان خود را داده بود و عراق ما گذشته آن را در جبهه‌های نبرد بکار گرفت پیش گیرد. این روزنامه می‌افزاید: "طرح یاد شده توسط مستشاران انگلیسی که در آن زمان در مناطق مختلف خاورمیانه حضور داشتند، در نظر گرفته شد ولی باین دلیل که ایران تحت نفوذ استعمار انگلستان نبود، از

۱- فاتح مصطفی: پیشین، ص ۳۱۸

۲- روزنامه اطلاعات - یکشنبه ۲۸ تیرماه ۱۳۶۶

اجرای آن صرف نظر گردید، "

اگر به دهه پنجاه میلادی سده کنونی یعنی به زمانی که نقشه‌ی اشغال ایران طراحی شده است بازگردیم، در خواهیم یافت که تهدیدی واقعی در آن هنگام مصالح، شرکت‌های غربی در استان خوزستان را به خطر انداخت. زیرا مسأله ملی شدن نفت ایران کشورهای غربی را واداشت تا طرح یا دسده را بر اساس مرحله عراق به ایران و جداسازی خوزستان از این کشور تدارک نمایند.

منابع

- ۱- شوادران بنجامین: خاورمیانه، نفت و قدرتهای بزرگ، عبدالحسین شریفیان، تهران، کتابهای جیبی، ۱۳۵۲
- ۲- فاتح مصطفی: پنجاه سال نفت ایران، تهران، پیام، ۱۳۵۸
- ۳- لسانی ابوالفضل: طلای سیاه یا بلای ایران، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۷
- ۴- روحانی فواد: تاریخ ملی شدن صنعت نفت ایران، تهران، کتابهای جیبی، ۱۳۵۲
- ۵- سعادت فتح الله: پژوهشی در مسائل نفتی ایران، تهران، امیرکبیر، ۱۳۳۵
- ۶- موحد محمدعلی: نفت ما و مسائل حقوقی، تهران، خوارزمی، ۱۳۵۳
- ۷- بهار مهدی: میراث خواراستعمار، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۷
- ۸- پارسا دوست منوچهر: زمینه های تاریخی اختلافات ایران و عراق، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۴
- ۹- اودل پیتر: نفت و کشورهای بزرگ جهان، امیرحسین جهانگللو، خوارزمی، ۱۳۵۷
- ۱۰- سی بارگرتوماس: سیاست انرژی کشورهای عربی خلیج فارس، بیژن اسدی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰
- ۱۱- مقداشی زهیر: تجزیه و تحلیل مالی امتیازات نفتی خاورمیانه، سیروس ابراهیم زاده، تهران انتشارات پیروز، ۱۳۵۴
- ۱۲- دلدن اسکندر: سلطه جویان و استعمارگران در خلیج فارس، تهران، انتشارات نوین، ۱۳۶۳

- ۱۳- مدرسی مرتضی : تاریخ روابط ایران و عراق ، تهران ، فروغی
۱۳۵۱
- ۱۴- لنچافسکی ژرژ : تاریخ خاورمیانه ، جزایری ، تهران ، اقبال
۱۳۳۷
- ۱۵- نشأت صادق : تاریخ سیاسی خلیج فارس ، تهران ، شرکت نسبی
کانون کتاب
- ۱۶- موسوی علی : خلیج فارس در گذر زمان ، تهران ، ۱۳۶۶
- ۱۷- روزنامه اطلاعات
- ۱۸- اطلاعات اقتصادی - سیاسی (ماهانه)